

انصاری هرمز ۱۳۱۴-

حسن شناسی حسن جویی/ نویسنده هرمز انصاری

طراحی: پویا آریان پور

چاپ اول پاییز ۱۳۸۹

"برای آنان که می اندیشدند"

موضوع: شعر فارسی-قرن ۱۴

موضوع: شعر سپید-قرن ۱۴

موضوع: شعر آزاد-قرن ۱۴

ص ۸۰

استفاده یا به اشتراک گذاری مطالب کتاب با ذکونبع بلا مانع است

www.Hormozansari.com

برای آنان که می اندیشند

حسن شناسی

حسن جویی - حسن گوئی

چشم انتظار بودم دستی چیزی بنویسد دربارهٔ "روی پاکت ها" یا کتابی معرفی کند که کار مرا در این زمینه آسان کند - در آن کتاب آمده باشد که چه گونه روی پاکت را برای دیگری بنویسیم.

تا امروز چنین چیزی به دستم نرسیده است و یکی هم که رسیده فرم های اداری است.

از این رو دومین کتاب را با همان امید گذشته منتشر می کنم تا بلکه پاکت های جدید، نوشته های جدید، یا کتاب جدید به دستم برسد.

از آن جا که تمام پاکت نوشته ها - به آدم های مشخص نوشته شده - من ندانستم باید نام خانوادگی یا اسم کوچک آن ها را بیاورم یا نه.

از این رو بعضی نام های کوچک را که مفهوم داشت آوردم و نام دیگران به ضمیر تبدیل شد.

با مفهوم بعضی اسم ها در گفته کار شده است و نوشته دور آن می چرخد مثل جواد، سرور، حشمت، شهره، شیرین، فرخنده، پیروز و نستوه ...

آن چه در این کتاب می آید همان است که روی پاکت ها بوده.

امیدوارم اگر کسی نوشته ای دارد که به این کتاب می خورد ولی در آن نیامده رونوشت آن را برای نویسنده بفرستد تا در جلد های آینده رعایت شود.

۸۹/۲/۱۹/۱۰

ما ویژگی های انسان ساز انسان والا را - آن گونه که شایسته اوست - در این نوشته ها می ستاییم. برخی ویژگی هایی دارند بسیار ستودنی ولی خود به خوبی بر آن آگاه نیستند - آن ها را به صرافت می اندازیم.

برخی استعداد خوبی برای خصال والا دارند و تلاش زیادی نمی کنند، آن ها را نسبت به آن چه باید باشند متعهد می کنیم.

برخی به ویژگی هایی که انسان را انسان می کند کم توجهی دارند، یا شرایط به آن ها کمک نمی کند، برای شان ویژگی های والای انسان آرزو می کنیم. در این کوچک کتاب بایدها همه آمده است و از نباید خبری نیست.

و آن چه آمده است همه قبول داشت نویسنده است.

۸۹/۳/۱۸/۹

این کتاب - در حقیقت - دنباله نوشته های کتاب ۱۵ است که تحت عنوان "روی پاکت ها" به چاپ رسیده.

زندگی نگارگر هشیاری است

که ناپیداها را به تصویر می کشد،
و ما ساده لوحانه به تماشای "پیدا"ها ایستاده ایم -
برای ما آنان که "خوبی" برای خود می تراشند،
یا اگر هست به رخ می کشند،
جلوه گری می کنند
و زندگی از "تو" آن را می گوید
که نه می بینیم، نه می شناسیم،
و نه اگر بشناسیم باور می کنیم -
از آن چه در درون می جوشد
و به بیرون کاری ندارد.
۷۶/۶/۲۹/۱۸

* پروین را دوباره باید شناخت؛ از اول.
نه بیرونش را - که آن هم زیباست -
بل درونش را، که به بیرونش زیبایی می دهد؛
زیبایی ای که با گذشت زمان
چون آتش زیر خاکستر یکدست می شود.

* و چه زیباست که با گذشت زمان
مغز پربار شود و دل پرنور.
و تو، سهیل عزیز،
با اندیشه دانشوران احساس کودکان را داری -
گسترده و شفاف.

* به آن کس که از نگاهش محبت می بارد
و از کلامش صداقت -
به کورس عزیز.

* شخصیت والای آدمی در آن است که
در "هرحال" خودش باشد؛
و رفتار مهربان و یاری دهنده منصور عزیز
همواره همان بوده است که بود -
گرچه بسیار متفاوت برخورد کرده ایم.

* از درون لب های خاموش آوای محبت شنیدن،
با گذر از بیرون آرام به درون پرشور رسیدن،
کار من شد و پیمان.

* همهٔ زیبایی‌ها؛

شجاعت،

انسانیت،

فهم،

درک،

مهربانی،

چابکی،

خوشرویی،

نواندیشی -

در یک کلام، "رفتار درس آموز"

و ظاهر دلپسند ...

در ... تو پیوند خورده اند

تا دوست بداری و دوستت بداریم.

* پرتوان باشی و پایدار؛

که پایداری تو، ماندگاری عشق است و اندیشه.

* لذت همسایه بودن با شما

دو چندان خواهد شد

اگر فاصله دیدارها کوتاه تر شود.

* سیمای مادر،

سیمای زن،

سیمای عزیزی

که همچنان عزیز بماند

نسرین را دوست داشتنی،

باور کردنی

و به یاد ماندنی

برای ما نگه داشته است -

خنده هایش شاه نشین گوش ماست و

چشمانش چراغ دل ما.

* برای

حمید عزیز

آینده ای

روپیده بر آرزوهایش

شکفته در اندیشه هایش،

به طراوت احساس هایش

آرزو می کنم.

* برای هنرمندی که هنر از درونش می جوشد؛

برای او

که "دل" بر زبان دارد.

* گرانبهاترین نیاز زندگی؛

لبخند را

مژگان عزیز به رایگان می بخشد -

همواره و به همه.

* از ورای چهره آرام

دریای پرخروش مهر را دیدن،

از میان لب های خاموش

آوای دل را شنیدن،

استواری،

پایداری،

بلندپروازی را

در رفتار فروتنانه فریدون خواندن

کار هر نوسوادی نیست.

* پرخنده باد لبانش،

فرخنده باد، بیانش،

دلش پرنور،

چهره اش شادان

چون گل خندان.

* به انسان وارسته پرمحبت،
به آن کس که می پوید و می جوید و می شناسد و
می اندیشد -
به جستجوگر "حقیقت" -
به منصور عزیز.

* برای استادی که به من -
با شناساندن شناخته شده ها - "شناختن" آموخت،
برای استادی که به من -
با دادن اندیشه ها - "اندیشیدن" آموخت،
برای استادی که به من -
در پرتو محبت هایش - "دوست داشتن" آموخت،
برای آن کس که "دل" مشعل کرده است
و آینده را در آینه علم می بیند
و مرا برای زندگی در آن آماده می کند،
آینده ای
همواره زیباتر از گذشته
آرزو می کنم.

* برای مادر مهربانی ها

و

مهربانان.

به امید آن که

کلامش مهمیز اندیشه گردد،

به امید آن که

اندیشه اش انگیزه حرکت گردد،

به امید آن که

اندیشه و بیانش کلید درهای بسته گردد،

به امید آن که

تجربه اش قابله تولدی دگر گردد،

به امید آن که

راهش به سوی نیافته ها باشد.

* در نگاهت چیزی است که

نمی توان آن را دوست نداشت؛

و آن خود دوست -

“تو” آمیزه همه دوست داشتنی ها.

شهرزاد عزیز.

* به اسوه “وفا”،

وفا و پایداری -

وفا با دوستان و پایداری درخواست ها.

* اگر میوه محصول کار باغبان است،
فرزند نیز محصول کار مادر است.
و آفرین بر این باغبان و
افتخار بر آن میوه ها.

* به صفا،

به مهربانی،
به طراوت جوانی،
به امید زندگانی.

* به آن کس که از تولد دوست داشتنی بوده است
و پیوسته دوست داشتنی تر شده -
به آن کس که با "مهر" زاده شده است.

* وقتی مردمی می خواهند "خودشان" باشند
از "خود" نماینده انتخاب می کنند.
و من بر دست آن مردم و
بر اندیشه این نماینده بوسه می زنم.

* مردم "حرف" می شنوند و
رفتار را انتخاب می کنند.
و من "دل" را به رفتار تو
بزرگمرد دوست داشتنی سپرده ام.

* اگر آویزه ای باشد - یا جلوه بیرونی -
می ریزد و رنگ می بازد.
و من تحسین می کنم
مهربانی های
تو را
که از درون می جوشد.

* و چه زیباست چشمانی که
می خندد، حرف می زند، مهر می ورزد.
و تو، سپیده عزیز،
در چشمانت خوانده می شوی.

* برای آن کس که به زیبایی فکر می کند،
که به زیبایی عشق می ورزد،
زیبایی درون و بیرون آرزو می کنم -
زیبایی در آن چه می دهد و می گیرد و می بیند.

* برای نوجوان بالنده ای چون بکتاش
فقط می شود آرزو کرد که بزرگ شود -
بزرگ با همه مفاهیمی که " آینده " می طلبد؛
بزرگِ عشق و اندیشه.

* دَمَت گرم،
قامتت راست،
دلت شاد،
دیده ات روشن،
کلامت دلنشین،
پیشانیّت صاف.

* چشمه محبت را،
باران لبخند را،
بیان شیرین را -
رفتار دلنشین را
به روی همه بگشا
تا فرزندان آن شوند که می ستایی.

* بال های بالندگی ات را
می ستایم
چهره دوست داشتنی ات را.

* چه خوب شد که تو را، و برومندی ات را،
با چشم دل دیدم و از صفای رفتارت لذت بردم.
ستاره صبح باشی
و
آبشار نور.

* فرح جان،
تو اصلاً به ما نگو که
چه "خوب" است و چه باید کرد -
بگذار نگاهت کنیم،
اگر توانش را داشته باشیم، خودمان می فهمیم.

* وقتی تو هموزن مشکل می نشینی،
شخصیت تو پر و استوار است.

* من از نادبای عزیز
جز خوشرویی و خنده و محبت ندیده ام؛
که نه من؛ دنیا محتاج آن است.

* به "امید" امیدواران،

به ستاره درخشان مهر و انسانیت،
به آن کس که دیدارش دل ها را سبک می کند -
به امید عزیز.

* به همه زیبایی های درون

که باران محبت غبار از زیبایی بیرونش را نیز
می شوید -
به مژگان عزیز.

* به کسی که جز به تبسم

لب نگشوده است؛
به شهین.

* به اقیانوس آرام -

آرام عمیق -
آرام در رفتار و عمیق در احساس.

* همیشه دست افشان باشی،

پای کوبان،
با لبخندی به وسعت همه جهان
که لبخندت به ما جان تازه می دهد،
پای کوبی ات امید به فردا.

* تابنده باد آفتاب درخشان پیوندتان
از شکوفه های اندیشه تا ریشه های عشق.

* شادی درونی ات را دوست دارم،
شادی آفرینی ات را نیز.

بپر،

پرواز کن،

اوج بگیر

و از آن بالا

“ لبخند ” را بر لبان همه آدم های روی زمین
بنشان.

* اگر دل پرمهرش

بر زبان جاری نمی شد،

اگر زبان شیرینش

در همه سلول هایش جاری نمی شد،

عزیز من نمی شد.

* خداوند هر که را دوست دارد

به او " آن " دهد که به " تو "

داده است:

" لبخند " همیشگی؛

لبخندی که نشانه صفای درون است -

درون زیبایی که در بیرون شکوفه می زند.

* برای عشق و امید مردم،

اندیشمند دولتمردان جهان

توانی گرانسنگ تر از همه " مشکلات "

آرزو دارم.

* اگر عشق نبود،

اگر صفا نبود،

اگر مهر نبود،

اگر تلاش نبود؛

اگر " تو " تبلور عشق و صفا و محبت و تلاش نبودی،

ما " چه " بودیم،

" که " بودیم،

" کجا " بودیم؟

* به آن کس که نمی توان دوستش نداشت،
به کوه بلند،
به دریای آرام،
به دشت بی کرانه،
به فرهاد عزیز.

* فرح سیما را،
که سیمایش آرامش بخش ماست
و کلامش موسیقی دل
همیشه ستوده ام.
نه من ستوده ام؛
که همه نیازمندان به یک " لبخند".

* پایدار باشید
که پایداری شما ماندگاری زیبایی هاست -
جواد به ما جود و بخشندگی آموخت و
فرخنده به باغ زندگی ما فرخندگی آورد؛
که فرزندان و نوه ها و ... نتیجه های شان
امیدهای پرشکوه امیدوارانند.

* انسانی بزرگ است که دیر شناخته شود -
و تو "تحفه" عزیز
هنوز شناخته نشده ای.
چشم ظاهرین یک هشتم بیرون را می بیند؛
و کو آن چشم واقع بین
که هفت هشتم درون را بیند؟
هفت هشتمی که
همه زیبایی های تو در آن نهفته است.

* به پاس نیم قرن آموزگاری ات -
در درس های دوست داشتن و ایثارگری
نه با حرف، که در "رفتار"؛
در متن زندگی.

* زیبایی انسان در آن است که
خوانده شود، دیده شود، فهمیده شود.
و من کورس را از آن جهت عزیز می دارم که
همه زیبایی های درونش، خوانده می شود.

* برای منوچهر
که گرمای محبتش از دور هم نزدیک است.

* به بزرگواری که اگر گشاده رویی هایش
و محبت های ریشه دار بی شائبه اش نباشد
این جور شوق دیدارش رنج مان نمی دهد،
و خود دیدارش "حال" تازه.

* از زنگ صدایش "مهر" می بارد،
و از برق نگاهش صفا.
شاد است و
شادی می آفریند و
آرامش می بخشد.

* دیدارتان
گفتارتان،
نگاه تان،
و لیخندتان
آرامش و نشاط می آفریند،
که همواره شکوفا باد.

* باغ زندگی ات
پر شکوفه باد و
تو،
باغبان پر شکوه شکوفه های زندگی.

* به عزیزی که ندیدنش بیماری می آورد -
بیماری ای که طبیبش خود اوست.

* اگر صفای "تو" ای باصفا نبود
در خانه استاد به روی ما
باز نبود.

تو باشی و استاد باشد،
ما باشیم و محفل پر صفای ما.

* سال ها باشید

و

باشیم

و

باشند

و شکوفایی و زیبایی زندگی تان را
ببینید و ببینیم و ببینند.

* برای

طبیب دوست داشتنی

و معجزه های حیات بخشش -

معجزه هایی

که با روان

به تن

جان تازه می بخشد.

* شکوفه های تان پرشکوه،
شاخه های تان پر میوه،
ساقه های تان پرتوان،
آوندهای تان پرآب -
آب مهربانی، کاردانی، دلاوری، پایداری.

* برای استادی که
چهره اش،
بیانش،
خاطره اش -
"رفتارش"
همیشه با من بوده است.

* برای "مریم" به خاطر
همه آن چه "آینده" وامدارش
خواهد بود -
دانش، خرد و عشق.

* در سوگ عزیزی نشستن
از روزگاران تان
زدوده باد.

* مهربانان

پرتو "مهر" می پاشند و
میوه "دل" می چینند -
و تو،
"دل" مرا،
در کمند محبت گرفتی.

* پرواز مریم را

نگاه مریم را
و کلام مریم را
که به ما توان پرواز می دهد
و شوق ماندن
دوست دارم.

* برای آن کس که

همواره
لبخندی به شیرینی زندگی
بر لب دارد،

زندگی ای

پر از گل لبخند
آرزو دارم.

* به عزیزی که

قد می کشد،

پر می کشد،

دل می برد،

و افتخار می آفریند.

به "مریم" عزیز.

* برای "حشمت" عزیز

دنیایی به بزرگی دنیایش

و

به زیبایی درونش

آرزو می کنم.

* برای "حشمت" بزرگ

که بزرگی اش

نه قابل تقلید است؛

نه قابل تقسیم؛

شعاع "مهر" و ایثارگری اش

چند نسل را گرما و روشنایی بخشیده است.

* با امید این که "امید"

امیدواران را

در سرزمین خودش -

در آنجا که انتظارش را می کشند -

ملاقات کنیم.

* برای

عزیزی

که می شود صفایش را

در چشمانش خواند

و از لبانش شنید.

* شکوه و حشمت "حشمت" ما

در گستردگی پرتو محبت های اوست.

بین که تا به کجا رفته است

و بین که کسی محروم نمانده است.

* برای آن کس که

همواره

گل لبخندش

به زندگی زیبایی می بخشد،

زندگی ای

پر از گلخند

آرزو دارم.

* برای مادری

که در پرورش گل هایش
از شیره جان مایه گذاشته است؛
لذت دایمی دیدار گل هایش را
آرزو دارم.

* نگاهت با نگاهم پیوند خورد،

گرمی دست هایت در رگ و پوستم دويد،
پرتو اندیشه هایت تا عمق وجودم -
مهتر بر دلم نشست؛
شاد شدم،
زنده شدم.

* تو به من "دیدن" را یاد دادی -

دیدن درون و بیرون پدیده ها را،
دیدن پشت و روی نموده ها و وانموده ها را،
دیدن در روشنایی و در تاریکی را.

* تو را

با "چشم دل" می بینم -
نرفته ای.

* "سپیده" دمید،

خورشید پرده افکند،

و گرمای تازه

به دل ها بخشید.

آن روز چهاردهم اسفند بود.

* چهره بازت را،

نگاه مهربانت را،

لبخند همیشگی ات را

کلام شیرینت را

دوست دارم.

* یکی شدن دل ها،

پیوستن دست ها،

شوق دیدارها

پیوندتان را -

بر فراز ابرهای سپید زندگی -

پایدار بدارد.

* برای عزیزی که نمی توان دوستش نداشت؛

آینده ای

به دوست داشتنی بودن خودش

آرزو می کنم.

* به "مشعل" راهگشایان راه آینده
به "امید" امیدواران فتح پاینده
به "اسوه" پرتوان نسل بالنده
به "ستاره" درخشان عشق و اندیشه
به آن کس که با بال های عشق و معرفت
به سوی لایتنه‌ی، به سوی "کمال"، پر می کشد.

* برای نوجوانی که
قد می کشد
سقف می شکافد،
دیوار بر می دارد،
شور زندگی می آفریند
و میوه حیات می چیند؛
برای نیوشا.

* برای بزرگواری که زیبایی درونش
در رفتارش متجلی شده است.

* خانه تان همواره
"خانه عشق"
باد
تا عاشقان دیدارتان
همچنان به گرد آن بگردند.

* با لبی خندان تر
چهره ای شاداب تر
دستی گشاده تر
و خانه ای در بازتر
برای تان آن چه آرزو دارید
آرزو می کنم.

* پرتو محبت عزیز ما،
همیشه استاد ما؛
همواره گرمابخش زندگی ما باد.

* به هنرمند بیدار ذهن؛
به پویای پویا.

* برای خاطره ...
خاطره هایی
همیشه به یاد ماندنی،
همیشه گفتنی
همیشه بالیدنی
به شیرینی کلامش،
به زیبایی نگاهش
آرزو دارم.

* برای شما
پاکی کودکان،
احساس نوجوانان،
رشادت جوانان
و اندیشه جهاندیدگان
آرزو می کنم.

* شادی تان جاودان،
پیوندتان پایدار
دل های تان یکی
راه تان به سرزمین "تور".

* دلش جوان است،
دلش مهربان است،
دلش پر نور است؛
دریاست.
و مثل دل بچه ها،
بلوری.

* زنده یادان
زنده اند.

* به پاس آن محبت های

شیرین،

دوست داشتنی

و به یاد ماندنی

که دل ما را در "گرو" گرفته است.

* دستت را

در دستم "حس" می کنم،

و سرت را

روی سینه ام.

دستت پرتوان باد و

سرت بالا.

* راست قامتی ات را،

بلندپروازی ات را،

ژرف اندیشی ات را،

میهن دوستی ات را

دوست دارم؛

می ستایم.

چهرهٔ پرصفایت را نیز.

* چهره بازتان را،
نگاه روشن تان را،
کلام دلنشین تان را،
صداقت کاری تان را
می ستایم.

* خدا نگه دارد
نگهداری را
که نگه دارنده
جود و سخا و بزرگمردی و بزرگواری است.

* تو را می ستایم؛
مهرت بی صداست،
رفتارت بی تظاهر
و درونت به استحکام آن چه "نمی شکند".

* اگر گل دان، "گلدان" نباشد،
گُل، گُل نمی شود.
و من باغچه بانی را می ستایم
که تبارش گل است،
هنرش گل پروری.

* تو،

بر ریشه پرتوان گذشته،

“آینده” را پیوند زدی؛

باشید و

باشیم و

باشند

تا ثمره این پیوند را

ببینید و

ببینیم و

ببینند.

* برای تو

که

عشق می ورزی

اندیشه می پروری

راه هایی تازه

می جویی،

می یابی،

می کاوی،

می پویی.

* وقتی اراده کنی که دوست داشته باشی؛
همه چیز دوست داشتنی است -
و تو، . . . ،
از درون می خواهی
که بیرون زیبا جلوه می کند.

* وقتی چشم سخن می گوید؛
لب خاموش است -
برای " انسان " فرهیخته ای
که دیدارش غنیمت است.

* برای فرخنده
که فرخندگی اش درون اوست؛
جزو وجود اوست،
و پرتو افشان.

* زندگی ات چون "عسل"،
راحت پر فروغ
آینده ات
تبلور آرزوها.

* به استوانه پر استحکام خاندان بزرگ ما،
به محور تحول های سترگ آینده،
به درس آموز نوجوانان و جوانان،
تولدش را تبریک می گویم.

* با این امید که
نه تنها فیلسوفان دولتمرد؛
که دولتمردان فیلسوف باشند.

* برای گل مهربانی های " لادن "
که در " زمستان " می روید.

* گُل رفت؛
عطرش ماند.

* تو
از چشم رفته ای؛
از " دل " هرگز.

* گُل
در جای گُل می نشیند،
ولی جای " گُل " را نمی گیرد.

* نامش را

از روی رفتارش

باور کردم -

از نگاهش،

از کلامش،

از لبخند همیشگی اش

که همیشه "شیرین" است.

* دل های مان را در مشت می گیریم و

به نظاره شکوفه های پرشکوه

نهال زندگی مشترک تان می نشینیم -

که "میوه" اش آرزوی ماست.

* آرزو می کنم

"پرتو مهر"

استاد گرانمایه،

خوش قریحه،

و شیرین سخن

همواره بر ما، و بر راه ما، بتابد.

* آسمان های بلند زندگی

ابرها را پس زده اند

تا نظاره گر به هم پیوستن دو ستاره عشق
باشند.

* با آرزوی آن که

لذت دیدارتان را و

بهره گیری از سخنان تان را
همواره داشته باشم.

* چشم هایش را -

که دریچه قلب اوست -

همواره

پرشور و پرنشاط می خواهم.

* نه قد،

که باید فکر "رشید" باشد -

و فرهاد عزیز این هر دو را دارد.

* برای تحفه

“آرزو” کردن مشکل است؛

او همه را دارد -

مهربانی را،

فروتنی را،

خوشرویی را،

شیرین بیانی را ...

فقط می شود

آرزو کرد

ما را هم داشته باشد.

* صراحت تو را می ستایم،

صداقتت را نیز؛

که هر دو از چشمانت خوانده می شود -

چشمانی که از تولد - تا به امروز -

دوست داشتنی بوده است.

* دیده های مان را می گشاییم،

تا با نور دیدگان شما در آمیزد؛

* جای “آموزگار” همه نیکی ها

در محفل ما خالی است.

* دل های تان پرنور،
سرهای تان پرشور،
آسمان تان صاف،
بال های تان باز.

* برای

پیروز عزیز
که پیروزی اش
نه در پایان مسابقه
که در تمام مسیر آن است.
در ذره ذره وجودش
در لحظه لحظه رفتارش
در لبخندش،
در نگاهش،
در آوازش

* آرزو داریم

در این پیوند پایدار

صبا

همواره "صبا" باشد و
نستوه همواره "نستوه".

کمک به اندیشیدن،

به سرودن،

به نوشتن،

به خلق زیبایی ها

کار و زندگی و اعتقاد دایمی

تو بوده است.

* از آن روز که تو را دیدم، تا به امروز،

درس آموز "عشق و انسانیت"

فروتنی و پایمردی

بوده ای.

و من، کار و "همکاری" را

بهانه "با هم بودن" کرده ام.

* با امید دیدارهای بیشتر،

و دریافت محبت های بیشتر.

* تو امید در دل ها می کاری،

لبخند بر لب ها.

* صدای دلنشین،

نگاه پرمهر،

محبت بی دریغ

از خصال والای تو است.

* برای آن کس که

مهرش در دل می نشیند،

کلامش در گوش.

* برای مانیای عزیز

نه آن را که هست؛

بل آن را که باید باشد -

که دوست دارد،

نیاز دارد،

می پسندد

آرزو می کنم.

* تو شور زندگی می آفرینی،

شوق زیستن،

لبخند مهر

امید به آینده.

* به بلندای آرزوهای تان،
به شفافی احساس تان،
به زیبایی اندیشه تان.

* آن چه را دوست دارد،
می پسندد،
آرزو دارد،
آرزو دارم.

* خنده هایت پرطنین باد،
لبخندت همیشگی،
برق نگاهت روشنی بخش محفل ما،
گل رویت صفای باغچه دل ما.

* امیدوارم
همواره
داستان های تان
گفتنی باشد،
نشاط آور و غرورانگیز -
چه بر زبان آورید
یا در دل یادشان کنید.

*

واژگان

پیام آور "عشق و اندیشه"

نگاهت

پرتوافشان راه آینده،

لبخندت

درمانگر دل های افسرده.

* لطافت روح شادی آفرین تو

از چشم هایت خوانده می شود و

زیبایی درون تو

از نگاهت.

* برای گلزاری

که "گلزار" وجودش

رنگ و بو و طراوت

زندگی آینده را

نوید می دهد.

* گلدان خالی

کی

“گل” دان می شود؟

* به ستاره امید،

به آسمان اندیشه،

به دریای معرفت

به انسانی که می رود

نمونه “نمونه” ساز

تاریخ پرتحول بشری گردد.

* برای

آن که

قد افراشته است؛

درک و فهم و درایت و هشیاری

دیرک کرده است

“دل”

چراغ چادر زندگی.

* برای پیوند دل های تان

هوای تازه،

باران صفا،

آفتاب عشق

آرزو می کنم.

* آرش عزیز،

به سرزمین خود

خوش آمدید.

با همت والای شما،

و آرزوهای بالا بلندتان،

زمان چاره ای جز گردیدن به اراده شما ندارد -

لگامش زنید.

* "شانه" زیر آوار

نادانی ها و

ندانم کاری ها و

بد اندیشی ها

گرفته است

و دیرک چادری شده است

که در پناه آن زندگی و زندگان

راه برون رفت می سازند،

رضا، نه تنها رشادت نواندیشی و دانش پذیری دارد

که جسارت به کار بستن آن را.

* برای فرخ عزیز که
تواضع گوش دادن دارد،
رشادت اندیشیدن،
صداقت بازنگری،
جسارت بیان باورداشت ها
و پای بندی به آن.

* برای آن کس که
مهرش بر دل می نشیند،
کلامش در گوش.
صدای دلنشین،
نگاه پرمهر،
محبت بی دریغ،
خصلت والای او است.

* سوگ "محمود"
سنگین است؛
جای او خالی.

* پیوند پایدارتان -
چون آفتاب -

گرمابخش دل دوستداران باد.

* برای

بهمن عزیز

که

به سوی آسمان های باز

روشنایی ها

بی مرزی ها

و بازبینی ها

بال گشوده است.

* آرزو می کنم

نیوشای عزیز

آن قدر قد بکشد

تا

سر از خورشید در آورد -

خورشید اندیشه های درخشان.

* آن چه تو داری

تبلور ساده دلی کودکانه است،

بهره گرفته از خرد خردمندان،

در اوج بلندپروازی جوانان.

* نگاهش

چون قلبش

درخشان

صدایش

چون احساسش

لطیف

بختش

چون نامش

“سپید”

رفتارش درس آموز سپیدبختان فردا.

* بال هایی به گستردگی همه آسمان،

نگاهی به روشنی پرتو آفتاب،

و توانی به نیرومندی چرخ زندگی

برای “نسرین”

آرزو می کنم.

* برای آرین عزیز

بال پرواز؛

پرواز بر فراز آسمان های ناشناخته،

دل پرواز؛

پرواز تا افق های نادیده

آرزو دارم.

* برای

دوست عزیز

استاد گرانمایه

دکتر شمس شریعت

که بیش از نیم قرن

پیوسته و فزاینده

دوستش داشته ام.

* تو بچه ها را دوست داشتی،

روی زانوهایت می نشاندی،

می بوییدی،

می بوسیدی

و ما آرزو داشتیم که "بچه" باشیم.

* برای

هنرمند پرشور پویایی

که رفتارش یک تابلوست

آینده ای

همه‌هنگ آرزوهایش

آرزو می کنم.

* پرنک عزیز

چشم به راهیم

تا روزی

سرشار از "عشق و اندیشه"

طراوت و زیبایی

و خرد راه بردن زندگی

خورشید محفل ما شوی

و

حیات بخش این سرزمین.

* نیلوفر عزیز،

امیدوارم دیدارهای مان

هر چه بلندتر و

فاصله شان

هر چه کوتاه تر

گردد.

* برای فرهیخته عزیز

که زیبایی می آفریند

طبیعت را تعریف می کند

زندگی را پرشور.

* پردیس عزیز،
از گلدان در آمدی و
به باغ رفتی.
در آرزوی روزگاری هستیم
که با زیبایی های درون و بیرون
"باغ" زندگی ما را صفا بخشی.

* مهربانی هایت را
در سینه های مان کاشتیم و
با آب دیده آبیاری -
بوی گل را می شنوی؟
بوی جنگل را؟
بوی بهشت را؟

* "گل" ها می مانند؛
گل پرور رفته است؛
و فردا
هر گلی گل پروری
خواهد شد.

* آرزو می کنم
لبخندتان همیشگی باد،
از ته دل،

به روی همه.
برای مهدی و آرزو
آرزو دارم
آن چه با "عشق"
سر گرفته است
در پیوند با "اندیشه"
پایدار گردد.

* برای همکار عزیزمان
آن را
که دوست دارند،
که می ستایند،
و در دل و ذهن به تصویر کشیده اند
آرزو دارم.

* برای
عزیزی
که همچنان
عزیز بماند -
برای "نگهدار"

همه زیبایی ها.

* برای

اسوه خلاقیت و بلندپروازی و نوآوری

برای

آقای مهندس مولایی

آینده ای

به پربراری اندیشه هایش،

به پرفصافی احساسش،

به بلندای آرزوهایش

آرزو دارم.

* برای تو -

دختر به پاخاسته ایران زمین

آینده ای

به بلندای قامت اندیشه ات،

به پهنای گستره دیدت،

به پرشوری کلام و نگاهت

احساس می کنم.

* امیدوارم

نگین ما

همواره و

همه جا

“نگین” ایده ها و امیدها و آرزوها باشد و

تلاش های سرنوشت ساز.

* پنجم ابتدایی بودم -

در مدرسه خیام

جوانی

خوش اندام،

خوش صدا

و خوش فکر

مجله ای - لوله شده - در دست

به آموزگاری مان آمد.

۶۰ سال است

لذت آن دیدار را

مزمزه می کنم

و هر بار که او را -

می بینم

انبانه لذت هایم

پربارتر می شود.

* برای پردیس عزیز

که خنده هایش

نشانی از نشاط و زیبایی درون است

آینده ای

به بلندای قامت روزگار

آرزو دارم.
* لبخندش به پهنای گیتی است،
چهره اش به روشنی آفتاب صبح
دلش به پاکی مهر.
“ اشرف ” ماست -
اشرف در مهر ورزیدن.

* نامش پرندۀ خوشبختی است،
خودش ستارۀ بخت
بال هایش
به گسترۀ آسمان -
آسمانی با آفتاب مهر
باران صفا.

* راست قامتی ات را،
بلندپروازی ات را،
ژرف اندیشی ات را،
چهرۀ پیرصفای دوست داشتنی ات را
عشق به میهن و میهن پرستی ات را
دوست دارم.

* برای استوانه های دانش و خرد
برای افتخار آفرینان سرزمین افتخار آفرین ما -
با امید بازگشتن به میهن
آن چه را آرزو دارند
آرزو می کنم.

* اوستای عزیز،
با تبریک روز تولدت،
آرزو دارم
همواره جوان تر و جوان تر شوی -
جوانی امری درونی است.

* برای عسل عزیز
آینده ای
به شیرینی نامش،
به لطافت احساسش،
با ترنم ترانه های دلخواهش
آرزو دارم.

* برای
جوانِ پرشورِ پژوهنده ای
که وقتی لب فرو می بندد
نگاهش حرف می زند.

* برای پرندۀ بلند پرواز عشق
عشق و اندیشه
اندیشه و پایداری
برای پرنگ عزیز
پروازی به بلندای روزگار
آرزو دارم.

* "حشمت"
بر امواج روزگار
در قایق عشق
خندان و شادمان
پارو می زد.

* بزرگی و اعتبار و شخصیت تو
در آن است که
هرگز
"نه" بر زبان نداری -

و
همواره
آن را که باید باشد
به جای آن که نباید
می نشانی.

برای بهمن عزیز

آینده ای

به زیبایی احساس پاکش،

به پرباری اندیشه پرتوانش،

به بلندای آرزوهای رشد یافته اش

آرزو دارم.

* دل های تان یکی،

سرهای تان بالا،

گام های تان بلند،

دست های تان در هم.

* آغاز یک توانمندی و پرنشاطی تازه را

برای احمد

آرزو داریم.

* بال گشودی،

آسمان ها پیمودی،

در گلزار عشق نشستنی.

به جمع عاشقان خوش آمدی.

* شجاعت اندیشیدن را می ستایم؛

و درست اندیشیدن را.

درست دیدن را و درست اندیشیدن را -
نیامده ها را دیدن و
بر نشده ها اندیشیدن.

شجاعت بیان کردنت را می ستایم -
حرف دل را زدن و
گل اندیشه را
شکوفا کردن.

شجاعت به اجرا درآوردنت را می ستایم -
به اجرا درآوردن
اندیشه و گفتارت را؛
اجرای که در آن
دانش روز
و خرد رهبری است.

نه آرزوها را

بیدار

که در دستاوردها

متبلور کرده ای.

* با آرزوی آن که

دیداری بلند

- در فاصله ای کوتاه -

داشته باشیم.

* برای بلندپروازان، آسمان های صاف

فردای زندگی

بال هایی

به بلندای آرزوهای شان

آرزو می کنم.

* روزگاری

به بلندای همه روزگارا

دلی

به شادی همه دلشادی ها

زندگی ای

به سرسبزی همه سرسبزی ها

برای آن کس

که ستاره بخت یارش بوده است

آرزو دارم.

خورشیدها بتابید؛

خورشیدهای مهر بتابید

زندگی آفتاب می خواهد -

نور امید،

پرتو مهر.

“زندگی”

زندگی می خواهد -

نور امید،

پرتو مهر.

و تو،

پنجره های بسته دلم را گشودی -

به سوی

آسمان های صاف،

هوای تازه،

لبخند زندگی.

آسمان زندگی ات

صاف باد و پرستاره.

* ستاره های بخت

چشمک زدند،
آسمان های بلند،
لبخند.

* "هنر"

لبخند زندگی است؛
لبخندتان همیشگی باد.

* برای تو

آسمان های باز باز باز -
باز پرستاره
ستاره های شور و امید و بخت
در هماهنگی دل و دست و اندیشه و بیان
آرزو دارم.

* با آرزوی آن که

در پرتو "عشق و اندیشه"
همواره پرتوان باشی و پرنشاط
و رهرو راه آینده.

فرهاد عزیز،

تا هستیم

هستی -

در سینۀ ما،

در دل ما،

در خاطره های پربار ما.

* برای

آن کس که

با "کار" به زندگی معنا می بخشد،

با لبخند زیبایی.

* برای آن کس که

کار "هویت" اوست

بازده آن شناسنامه اش.

* برای او

که با

قبول مسؤولیت،

ظرافت رفتار

زیبایی بازده

محبت و صداقت و درایت خود را

در "سبد اخلاص" می چیند.

* راه های رفتن تان

پرصفا باد

منزل گاه های رسیدن تان
پرنشاط.

* با آرزوی آن که
همواره
در آسمان های
عشق و اندیشه،
اندیشه و بیان
ستاره ای درخشان باشی.

* برای
او
که نگاهش پرتو حیات است و
لبخندش روان زندگی
آینده ای
به بلندای "آینده"
آرزو می کنم.

✽ به "مهتا" -

شاعر پرشور ژرف اندیش

که

وقتی برایت شعر می خواند

اول احساس را در آغوش می گیری

و می روی و می دوی و می اندیشی

به بالا، به پایین، به گذشته، به آینده می نگری

تا معنا چهره گشاید.

✽ قدم گلی

که به گلستانی پرگل

قدم نهاده است

مبارک باد.

✽ برای چهره همیشه خندان

سیمای دوست داشتنی،

نگاه مهربان

برای بزرگمردی که

ریه های گرفته شده از زمین را

به سینه آن باز می گرداند.

* امیدوارم

باشم و

باشید و

بنویسم و

به عشق دیدارتان

و بهره وری از گفتارتان

تقدیم تان کنم.

برای عزیزی

که همواره

عزیزتر شده است -

برای

پروفسور ثبوتی.

* برای آن کس که

دیدارش

بارت را سبک می کند،

دلت را شاد،

روح را آزاد،

امیدت را سرشار.

* برای

دانشمند فروتنِ دوست داشتنی
که همواره
دیدارش لذت بخش بوده است،
سخنانش درس آموز.

* نوشته ام را

به پای کسی می ریزم
که همواره
تبلور ساده دلی کودکانه بوده است.
چشم هایش زندگی را روشن می کند،
لبخندش آن را معنا.

* به تو که

با چشم هایت می خندی و
لبخندت به پهنای زندگی است.
به تو که
با پختگی میانسالی
سادگی کودکی داری.

* تو،

گذشته را

نردبام زیر پایم کردی

تا از پس دیوارهای بلند

درون باغ آینده را ببینم.

و چه زیباست

“آینده”.

* عزیزان ما؛

با پیوند پایدار خود

بهار را زیبا می کنند،

معنا می کنند،

و به آن جان تازه می بخشند.

و

تشریف فرمایی شما

بهار را بهاران

محفل ما را گلستان.

* دست قلم به دستِ اندیشمندی را می بوسم
که دستِ قلم به داستان به پاخاسته نوپا را
در دست های پرمهر خود، پدران، می فشرد.

* "غم"
از زندگی تان
دور باد.

* آینده ای
همواره
پاسخگوی نیازهای تان
آرزو دارم.

* برای عزیزی
که نگاهش
پرتو داستان های دل اوست -
داستان های گفتنی و ناگفتنی؛
داستان هایی که به زندگی
طراوت و زیبایی می دهند،
شوق پرواز -
پرواز
در آسمان های نادیده و ناشناخته و ناشنفته.

* برای آن که

نگاه را می خواند،

دل را می شنود،

اندیشه را می فهمد -

برای فرزانه فرهیخته.

* امیدوارم

همواره

توفیق لذت بردن از

لبخند و دیدار و اندیشه شما را

داشته باشم.

* با امید آن که

“پرتو عشق”

همواره

تنت را گرم نگه دارد و

راحت را روشن.

* با یاد عزیزی

که یادش

به یاد ماندنی است.

* هر چه بماند کهنه می شود
جز محبت -
که شما به ما داده اید.

دیدارتان،
اندیشه تان،
همکاری تان
برای ما غنیمت بوده است -
برای خانواده ای
که جمع عشق است و اندیشه.

* برای کسی آرزو می کنم
هر روزش
زیباتر از
هر روزش باشد
که نگاهش لذت بخش است و
رفتارش درس آموز.

* سر در آسمان دارد،
سینه بر گرده ابر.
با نگاه افق را می شکافد،
با آواز سکوت شب را؛
شبی که بامدادش را می بیند.

* برای

کسی

که لبخند همیشگی اش

همواره

به زندگی وسعت داده است و

روح بلندش

به آن

ارتفاع.

* امیدوارم

روزگار

آن گونه بگردد

که

همواره

به شما

“تبریک” بگویم.

* برای

آن کس که

با سکوت حرف می زند،

با لبخند جان می بخشد،

با نگاه امید می آفریند.

* برای

آن کس که
به فکر بها می دهد،
به کار دل،
به من انرژی،
به زندگی امید -

برای

نازنین نازنین ها.

* پویایی ات را

دوست دارم -

می ستایم.

عاشق آنم

که عاشق زندگی است؛

عشق و اندیشه و پویایی و پایداری و پرتوانی را
در هم تنیده است.

* برای آن کس که،

همواره،

لبخندی به شیرینی زندگی

بر لب دارد،

زندگی ای

پراز "گل لبخند"

آرزو دارم.

* سیمای تو را
درخشان چون آفتاب،
آرام چون مهتاب
خندان چون چشمه
آرزو دارم.

* "بر می گردیم گل 'نسرین' بچینیم."
از بوته ای
که هر چه از آن بیشتر بچینی
پرگل تر شود -
پر از گل زندگی
زندگی پرنشاط
پرنشاط و غرور آفرین.

* برای گلزاری
که گلزار همهٔ زیبایی های زندگی است
آینده ای
به پرفیایی روح پاکش،
به زیبایی چهرهٔ تابناکش،
به شکوهمندی رفتار پرمهرش
آرزو دارم.

* زیبایی های درون
وقتی به بیرون می تراود
تابلوی زندگی،
تابلوی عشق،
تابلوی نشاط و برومندی می شود
و تو،
سیمای بالنده،
آن تابلویی.

* به خنده ای
که شور زندگی می آفریند،
به اندیشه ای
که انسان را انسان می کند،
به دست های هنرمندی
که کام ها را شیرین می کند.

* برای گلی که
پرواز می کند،
آواز می خواند،
ساز می زند؛
دست می افشاند
پای می کوبد
و "زندگی" می آفریند.

* برای گُلی

که از دل خاک زبانه کشیده،

ریشه دوانده

ساقه رویانده

به غنچه نشسته است

و غنچه هایش

به شکوفه های پرشکوه زندگی.

* برای

امیدِ امیدواران

که لبخندش به پهنای آفتاب است و

نگاهش تا تاج خورشید

دل پرشورش به گرمای مهر.

* برای هنرمندِ پُردوقِ نوپرداز

که دیده از دیدارش محروم است

و دل،

همچنان،

از مهر او آکنده.

